

ارائه مدل حسابداری متناسب با سبک زندگی اسلامی با استفاده از تکنیک دلفی

هدایت‌الله کلماتیان^۱، دکتر جمال برزگری خانقاه^۲، دکتر حسن دهقان دهنوی^۳

چکیده

پیشرفت‌های علمی ابزاری برای تغییر شیوه و سبک زندگی است که انسان را به فلاح و رستگاری هدایت می‌کند. ایران در سال‌های پس از انقلاب اسلامی پیشرفت‌های شگرفی در علوم تجربی داشته اما این پیشرفت‌ها در علوم انسانی نظیر حسابداری ناچیز و در مواردی رو به عقب بوده است. حسابداری رایج در ایران ترجمه تحت‌اللفظی اصول و ارزش‌های دنیای غرب است و با جهان‌بینی اسلامی فاصله و در برخی موارد زاویه دارد. سیستم حسابداری رایج به دلیل دور شدن از ارزش‌های اسلامی و تأکید بیش از اندازه بر سود و مادیات رفتارهایی نظیر مصرف‌گرایی، چشم و هم‌چشمی و مادی‌گرایی را در جامعه نشر داده و مروج سبک زندگی جوامع لیبرالی در جامعه است. بنابراین نیاز به یک سیستم حسابداری متناسب با جامعه اسلامی که انسان را به سبک زندگی اسلامی رهنمون سازد بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود؛ سیستمی که برخاسته از جهان‌بینی الهی بوده و ریشه در احکام دینی داشته باشد؛ در چنین حالتی حسابداری مروج آموزه‌های اسلامی نظیر توجه به منافع عمومی، سود متناسب با تلاش بوده و در جامعه اسلامی مشروعیت خواهد داشت. به همین دلیل و به لحاظ اهمیت این موضوع، در این تحقیق ضمن انجام مطالعات نظری با استفاده از روش دلفی و کسب نظر از ۱۵ فرد صاحب‌نظر، نارسایی‌های نظام حسابداری رایج شناسایی و مدلی برای حسابداری متناسب با سبک زندگی اسلامی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: سبک زندگی اسلامی، اقتصاد اسلامی، حسابداری، دلفی

مقدمه

«زمانی فرا می‌رسد که مردم به جای امر به خوبی و نهی از بدی‌ها، امر به بدی و نهی از خوبی کنند» (پیامبر اسلام).

در جامعه امروز، ضد ارزش‌هایی نظیر مصرف‌گرایی، چشم و هم‌چشمی و توجه به ظواهر و مادیات نقاب‌دل‌فریب مدرنیته به چهره زده و در جامعه ارزش شده‌اند. به موازات این تغییر، آموزه‌های اسلامی نظیر ساده‌زیستی و میانه‌روی در زندگی شبه مدرن جامعه شیعی ایران به حاشیه رانده شده و سیستم‌ها و ایدئولوژی‌های مونتازای در متن قرار گرفته است.

۱- دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد؛ Kalamatian.jd@gmail.com

۲- عضو هیات علمی دانشگاه یزد

۳- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد

ساده‌زیستی و میانه‌روی یا مصرف‌گرایی و چشم و هم‌چشمی همه منشأ اقتصادی دارند. ضدا ارزش‌های دنیای مدرن کنونی ریشه در دور شدن اقتصاد جامعه از مکتب اقتصادی اسلام دارد. در این میان نقش حسابداری نیز در شکل و فرم دهی یک سیستم اقتصادی برجسته و اساسی است.

فعالیت اقتصادی نیازمند اطلاعات مالی و اقتصادی برای تصمیم‌گیری است و حسابداری باید اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیری و پاسخگویی اقتصادی را فراهم کند. بنابراین اهداف و خصوصیات حسابداری به عنوان ابزار ارائه اطلاعات در محیط اقتصادی باید با مصالح اقتصادی مکتب اقتصادی اسلام سازگار باشد.

لذا می‌توان نتیجه گرفت اقتصاد اسلامی و سیستم‌های زیرمجموعه آن نظیر حسابداری پیش‌نیاز لازم برای تحقق سبک زندگی اسلامی در جامعه است.

در واقع، اسلام عناصر مکملی را ارائه می‌دهد که می‌تواند به تکامل سیستم حسابداری کمک کند. رشته حسابداری نسبت به عملکرد مؤلفه‌هایی نظیر رفاه و عدالت اجتماعی، مسئولیت‌های اجتماعی، توجه به ذی‌نفعان، توزیع عادلانه ثروت و شفافیت و پاسخگویی در سیستم حسابداری رایج با چالش روبه‌روست.

حسابداری رایج اهداف، ویژگی‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای مدرنیته را منعکس می‌نماید؛ محصول مدرنیته بوده و مبتنی بر ارزش‌های غربی است.

پس با وجود چنین هنجارها و ارزش‌هایی که از جهان‌بینی غربی نشأت گرفته نیاز به سیستم حسابداری متناسب با جامعه اسلامی ضروری است.

سیستم حسابداری باید متأثر از اقتصاد اسلامی بوده و نه تنها رنگ و لعاب اسلامی داشته باشد بلکه محتوا و خروجی آن مبتنی بر آموزه‌های اسلامی باشد تا از توانایی لازم برای تغییر سبک زندگی جامعه برخوردار گردد.

جان کلام اینکه پیاده‌سازی و اجرای حسابداری متناسب با جامعه اسلامی، اولین گام برای تغییر سبک زندگی و اسلامی‌سازی جامعه است.

بیان مسأله (سبک زندگی اسلامی در گرو بازگشت به مکتب اقتصادی اسلام)

شیوه زندگی یا «سبک زندگی» از جمله مفاهیم علوم اجتماعی و علم جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی است. سبک زندگی معنایی است که از به‌هم‌تنیدگی و پیوند عوامل متعددی که در شیوه‌های زندگی تأثیر می‌گذارند به وجود آمده است.

سبک زندگی منعکس‌کننده گرایش‌ها، تمایلات، رفتارها، عقاید و ارزش‌های یک فرد یا جامعه است و مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، عادت‌ها، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی و سطح اقتصادی، در کنار یکدیگر طرز زندگی کردن فرد یا گروهی را می‌سازند.

سبک زندگی از نوع دینی و اسلامی و یا غربی و غیردینی‌اش تعریفی دارد و واجد اسباب و ملزوماتی برای تحقق یافتن است.

سبک زندگی برای تحقق شیوه زندگی اسلامی در جامعه‌ای با شرایطی متفاوت از اصول این الگوی زندگی و همچنین برای تغییر اوضاع فرهنگی و اقتصادی، لازم و بلکه ضروری به نظر می‌رسد. به عبارت دقیق‌تر با اقتصاد سرمایه داری، سبک زندگی، اسلامی نمی‌شود. لذا برای تحقق سبک زندگی اسلامی باید به مکتب اقتصاد اسلام رجوع کرد.

مکتب اقتصادی اسلام برگرفته از آموزه‌های غنی است که سبک و راه و رسم زندگی اسلامی را در جامعه نشر می‌دهد که برای نمونه به برخی از آنان اشاره می‌شود:

اسراف باعث فقر و میانه‌روی موجب بی‌نیازی می‌شود (امام صادق(ع)، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۵۸، ح ۸). هر کس میانه‌روی کند، خداوند بی‌نیازش سازد (پیامبر اسلام(ص)، کافی، ج ۴، ص ۹۵، ح ۱). خوش‌ترین زندگی، زندگی با قناعت است (امام علی(ع)، غررالحکم، ح ۲۹۱۸).

ضرورت تحقیق (وحدت یا افتراق اقتصاد اسلامی با اقتصاد رایج)

«هیچ حادثه‌ای برای اهل دین پیش نمی‌آید مگر اینکه راهنمایی برای آن در کتاب خدا وجود داشته باشد» (سوره نحل آیه ۸۹).

اسلام به عنوان یک روش زندگی توجه زیادی به فعالیت‌های تجاری دارد. خداوند راهنمایی‌های لازم را برای رستگاری انسان در دنیا و آخرت ارائه کرده است. بر اساس آموزه‌های اسلام، در فعالیت‌های اقتصادی باید فلاح و رستگاری به عنوان هدف نهایی انتخاب شود.

اسلام مکتبی جامع و اجتماعی است که صرفاً به مسائل اخلاقی و اعتقادی اکتفا نکرده و تمام نیازمندی‌های مادی و معنوی را با هم در نظر گرفته است؛ مثلاً اقتصاد را با اخلاق و عاطفه آمیخته؛ همان‌طور که سیاست و دیانت را در کنار هم قرار داده است. آموزه‌های اسلامی به دلیل اتصال به سرچشمه وحی و مطابقت بر فطرت انسان‌ها هیچ‌گاه رنگ کهنگی نمی‌گیرد و دستورالعمل‌های آن در همه زمان‌ها قابل اجراست. آموزه‌های اسلامی مسیر میانه و مستقیم برای پیشرفت و تکامل انسان در تمامی ابعاد حیات فردی و اجتماعی در حوزه‌های مختلف زندگی از جمله زندگی اقتصادی ارائه کرده است. هدایت‌های اقتصادی اسلام بر اساس فطرت ناب انسان‌ها، نیازها و خواسته‌های طبیعی آن‌ها و مطابق هدایت‌های تکوینی او تشریح شده است. لذا هدایت‌های همیشگی، محکم و در راستای صیانت از منافع و مصالح انسان، جامعه و نسل او خواهد بود.

فرهنگ دینی در آموزه‌های اسلامی بیش از هر چیز بر «میانه‌روی» در سبک و شیوه زندگی تأکید می‌کند. میانه‌روی و اعتدال جوهر سبک درست زندگی است. بر اساس آموزه‌های انبیاء، میانه‌روی و پرهیز از افراط و تفریط، راه خوشبختی، فلاح و رستگاری است. اما فرهنگ دینی اسلامی مردم ایران در ۱۲۰ سال گذشته تحت تأثیر روشنفکران تازه از فرنگ برگشته بوده است؛ تحت تأثیر این روشنفکران جریانی در کشور حاکم شد که به تدریج در لایه‌های مختلف اجتماعی نفوذ کرده و بخش‌های مختلف جامعه را تحت تأثیر قرار داد.

در این مدت آنچه که در حوزه اقتصاد کشور رخ داد پایه‌ریزی یک اقتصاد شکوفا و مدرن شبیه همان چیزی که در غرب رخ داده است بود. تحت تأثیر این جریان، در عصر قاجار و پهلوی، درهای کشور به سوی غربی‌ها باز شد و به آنان امتیازهایی داده شد؛ کمپانی‌های غربی بر اقتصاد کشور خیمه زدند. اما در عمل آن چیزی که در ایران رخ می‌دهد نوعی مصرف‌زدگی و وادادگی در مقابل محصولات کشورهای غربی بود. ایران در این مدت صاحب یک سری کارخانه‌های مونتاژگر شد که حتی از دانش لازم برای مونتاژ هم برخوردار نبود و کشور در همه زمینه‌ها تبدیل به عروسک‌های مصرفی و فاقد توسعه درون‌زا گردید. جریان دینی که در سال‌های پس از انقلاب بر کشور حاکم شد در پی پیشرفت درون‌زا، حمایت از سرمایه ملی و ترویج فرهنگ استفاده از کالای داخلی است؛ اما حرکت به سمت جریان دینی در ظاهر و پوخته متوقف گردید و به لایه‌های درونی رسوخ نکرد. البته برخی کشورها بدون ایمان به مکتبی خاص مقلد تمدن غرب‌اند و فرهنگ غرب در لایه‌های درونی اقتصاد آنان به چشم می‌خورد. چنین کشورهایی گرچه ممکن است به پیشرفت‌های صوری دست یابند اما زبان‌های بی‌انتهای ذلت تقلید، آن‌ها را دچار آسیب‌های جدی می‌کند و اگر طوفانی بپا شود چنین کشورهایی توانایی استقامت ندارند و ریشه آن‌ها از بین خواهد رفت.

اسلام در بحث سبک و فرهنگ زندگی همه نیازهای انسان را برآورده می‌سازد. در تمام اصول قانون اساسی ایران به عنوان میثاق مردم برای ساخت جامعه، تطابق با اسلام کاملاً پیش‌بینی شده است. اقتصاد ایران با وجود قوانین اسلامی چندان اسلامی نشده است؛ هر چند از ظاهرش چنین بر می‌آید که اسلامی باشد. در اصول متعدد قانون اساسی ایران با عبارت عدالت مواجه هستیم که از اصول دین اسلامی نیز هست. اما آیا عدالت مورد نظر قانون اساسی در جامعه پیاده شده است؟ به راستی پتانسیل‌های اجتماعی و فرهنگی مردم برای اجرای کامل قانون اساسی در حوزه اقتصاد و اسلام مورد نظر آن در جامعه بالفعل نشده است و راه دراز و طولانی تا اقتصاد اسلامی وجود دارد. هم‌اکنون بانکداری اسلامی در جامعه و اقتصاد ما بی‌معنی شده است؛ چون اقتصاد اسلامی با شیوه اقتصاد نئولیبرالی تفاوت دارد و آنچه در جامعه ما اجرا می‌شود، اقتصاد لیبرالی و نئولیبرالی است.

بنابراین با ساختار اقتصاد لیبرالی و نئولیبرالی و یا هر ساختار اقتصادی نمی‌توان سبک زندگی را اصلاح کرد. تقریباً در اکثر تعریف‌های سبک زندگی می‌توان دو مفهوم را یافت که در تعریف سبک زندگی در نظر گرفته شده است و در واقع هر دو مفهوم هم، به واژه «سبک» باز می‌گردد؛ اول، مفهوم وحدت و جامعیت و دوم، مفهوم تمایز و تفارق. به این معنی که سبک زندگی حاکی از مجموعه عوامل و عناصری است که کم و بیش به طور نظام‌مند با هم ارتباط داشته و یک شاکله کلی فرهنگی و اجتماعی را پدید می‌آورند. همین پیوستگی، اتحاد و نظام‌مندی این کُل را از کُل‌های دیگر متمایز می‌کند. به همین دلیل است که امروز از دو مدل و الگوی متمایز و متفاوت سبک زندگی اسلامی و غربی سخن می‌گوییم (برومند و مشرقی؛ به نقل از:

(www.dindarmani.ir)

اگر اقتصاد کشور سرمایه‌داری باشد که در آن تحریص به دنیا صورت می‌گیرد و بانک، مرکز پرستش دنیای امروز قرار می‌گیرد، رشد نرخ ربا، معیار و ارزش در همه ساحت‌های انسانی در این قرار

می‌گیرد، ممکن نیست که سبک زندگی در حیات اجتماعی یا حیات خانوادگی، اسلامی شود (مصاحبه با مصطفی جمالی).

اقتصاد اسلامی؛ اهداف و ویژگی‌ها

برای یافتن مؤلفه‌های اسلامی مورد نیاز در حسابداری، در این تحقیق، به اقتصاد اسلامی رجوع شده است. در واقع، این پژوهش نیاز به یک سیستم حسابداری متناسب با جامعه اسلامی را بر اساس اقتصاد اسلامی و اهداف کسب و کار و سازمان در جامعه اسلامی بررسی می‌کند. بدین منظور، مرور اهداف و ویژگی‌های اقتصاد اسلامی و اهداف کسب و کار و سازمان در جامعه اسلامی ضروری است.

در ادامه، اهداف و ویژگی‌های مکتب اقتصاد اسلامی بر اساس دیدگاه شهید صدر بررسی می‌شود. گرچه سال‌های بسیاری از شهادت این مرجع عالیقدر شیعه می‌گذرد اما هنوز دیدگاه‌ها و نظریات وی در باب اقتصاد اسلامی مورد رجوع اندیشمندان و پژوهشگران مختلف است.

بر اساس دیدگاه شهید صدر، اسلام دو پیوند مستقیم و غیرمستقیم با اقتصاد دارد؛ پیوند مستقیم اسلام با اقتصاد از آن جهت است که مستقیماً یک سلسله مقررات اقتصادی درباره مالکیت، مبادلات، مالیات‌ها و غیره دارد؛ پیوند غیرمستقیم اسلام با اقتصاد از طریق اخلاق است.

اسلام مردم را به امانت، عفت، عدالت، احسان، ایثار و منع دزدی، خیانت و رشوه توصیه می‌کند (مطهری، ۱۳۶۸). بدیهی است که عملیاتی نمودن آموزه‌های اسلامی در زمینه تولید، توزیع و مصرف و اثرپذیری مناسبات اقتصادی جامعه از این آموزه‌ها، به یکسری سازوکارهای سیاستی نیاز دارد که پشتوانه علمی و نظری داشته باشند و در حوزه علم اقتصاد قرار گیرند. بر همین اساس، عنوان اقتصاد اسلامی، در قلمرو حقوق اقتصادی اسلام یا مکتب اقتصاد اسلامی، موضوعی پذیرفته شده است و با ابهام و تردید مواجه نیست (آقائزری، ۱۳۸۸).

در این زمینه، شهید صدر بر وجود مکتب اقتصادی اسلام تأکید دارد (یوسفی، ۱۳۷۹). وی با دو مقدمه، به اثبات این مطلب می‌پردازد؛ اولین مقدمه، به بحث درباره قلمرو دین برمی‌گردد. وی در برابر دو تفسیر دنیاگرایانه و آخرت گرایانه از دین، معتقد به تفکر جامع‌نگر است؛ به طوری که قلمرو دین را منحصر به احکام فردی نمی‌داند، و مسائل اجتماعی را نیز در دامنه تفکر دینی قرار می‌دهد (صدر، ۱۳۵۸).

شهید صدر در دومین مقدمه بر این نکته دست می‌گذارد که مجموعاً احکام و ارزش‌های دینی نمی‌تواند یک مجموعه ناهماهنگ و نامتجانس باشد، ارزش‌های دینی با یکدیگر هماهنگی و انسجام دارند، و نظام‌وار درهم تنیده‌اند. لذا در جنبه اقتصاد نیز، اسلام دارای مجموعه ارزش‌هایی منسجم است که با تکیه بر معیارهای عدلانه، به تبیین راه‌حلی برای مشکلات اقتصادی جوامع می‌پردازد.

این مجموعه ارزش‌ها در تعدادی اصول تجسم یافته‌اند، که به آنها اصول مکتبی یا مکتب اقتصادی اسلام گفته می‌شود (یوسفی، ۱۳۷۹). به نظر شهید صدر، اقتصاد اسلامی، بر عکس اقتصاد مارکسیستی که مدعی علمیت است، علم نیست؛ چرا که علم اقتصاد پدیده‌های اقتصادی را تبیین و تفسیر می‌کند و مکتب اقتصادی راه و رسم زندگی اقتصادی را نشان می‌دهد (صدر، ۱۳۵۸).

شهید صدر، در میان خصوصیات که برای مکتب اقتصادی اسلامی استنتاج می‌کند بر علمی نبودن آن تأکید می‌کند. در دیدگاه شهید صدر، علم بر اساس تجربه و روش علمی به تبیین و تفسیر پدیده‌ها می‌پردازد و مکتب به ارائه شیوه‌های عادلانه فعالیت‌های اقتصادی همت می‌گمارد.

وی تأکید می‌کند عدالت، انصاف، مسئولیت‌های اجتماعی و سایر آموزه‌های اسلامی مفهومی تجربی نیست که علم بتواند به شناخت آن بپردازد، آموزه‌های اسلامی مقوله‌ای ارزشی هستند و با ایده‌ها و افکار و برنامه دین اسلام برای زندگی بشر سر و کار دارد؛ لذا هدف مکتب اسلام اجرای قسط در زندگی اقتصادی است (صدر، ۱۳۸۱).

شهید صدر معتقد است که مکتب اقتصادی اسلام جزئی از دین اسلام بوده و بر جهان‌بینی آن بنا شده است (صدر، ۱۳۸۱). به نظر شهید صدر، فلسفه مکتب اقتصادی اسلام را جهان‌بینی و اصول اعتقادی دین اسلام نظیر توحید، نبوت و معاد، تشکیل می‌دهند. به نظر شهید صدر در جهان‌بینی اسلامی، حیات انسان با تولد آغاز می‌شود، ولی با مرگ پایان نمی‌یابد؛ زندگی انسان دو مرحله دارد: دوره موقتی که در این دنیا سپری می‌شود و دوره دائمی که پس از مرگ آغاز می‌گردد؛ دوره تلاش و سرمایه‌گذاری است. وی معتقد است، زمان بهره‌گیری از ثمرات این دوران، برخی در دنیا و برخی دیگر در آخرت است. زندگی دنیایی با تغییر و حرکت و رشد و تولید همراه است و هدف مکتب اقتصادی اسلام، ساختن و هدایت انسان در این دوره موقت است.

به نظر شهید صدر برخی از فعالیت‌ها در همین زندگی دنیایی نتیجه‌بخش خواهند بود؛ ولی به علت کوتاهی عمر یا مرگ‌های زودرس یا نامساعد بودن شرایط زندگی، بسیاری از اشخاص به پاداش اعمال خود در این دنیا نمی‌رسند. بنابراین عدالت الهی این‌گونه مقرر می‌گردد که چنین افراد به طور کامل به جزای کارهای خود در آخرت برسند (صدر، ۱۳۵۸).

به طور کلی، اسلام طرفدار تقویت بنیه اقتصادی است، اما نه به عنوان اینکه اقتصاد، خود، هدف است، یا تنها هدف است؛ بلکه به عنوان اینکه هدف‌های اسلامی بدون اقتصاد سالم و نیروی مستقل اقتصادی میسر نیست. اسلام اقتصاد را یک رکن از ارکان حیات اجتماعی می‌داند. لذا به خاطر اقتصاد به سایر ارکان ضربه و لطمه نمی‌زند. اسلام برخلاف بسیاری از نظریه‌های غالب غربی، سرچشمه درآمد را تقاضاها و تمایلات نمی‌داند؛ بلکه معتقد است باید تمایلات با مصالح عالی و همه‌جانبه بشریت تطبیق کند یا به قول شهید صدر مصلحت اقتصادی را در مکتب اسلام، مصلحت دینی مشخص می‌سازد.

در اسلام، آزادی افراد جامعه در انواع داد و ستدهای اقتصادی به رسمیت شناخته شده است؛ مگر در مواردی که حق فرد دیگر یا حق جامعه بدین وسیله در خطر قرار گیرد. در این موارد، آزادی اقتصادی محدود می‌شود.

نحوه اعمال محدودیت توسط مکتب نیز به سه شیوه است؛ نخست تربیت و تشویق فرد که به حقوق دیگران تعدی نکند؛ دوم، وضع و اجرای قوانین نظیر عدم اتلاف و اسراف و ضرار و سوم، نظارت و دخالت دولت است (صدر، ۱۳۸۱).

به اعتقاد شهید صدر، تحقق عدالت اجتماعی در مکتب اسلام پس از آنکه همه اعضای جامعه از حقوق مالکیت و آزادی‌های اقتصادی برخوردار شدند، به دو صورت قابل دستیابی است؛ نخست، تأمین اجتماعی و دیگری توازن در درآمدهای به دست آمده.

البته باید توجه داشت توازن هرگز به معنی مساوات نیست؛ زیرا ایجاد مساوات جز در موارد برابری استحقاق افراد، ظلم است.

همچنین باید این موضوع مورد توجه قرار بگیرد که منظور از توازن، جلوگیری از اختلاف بسیار سطوح درآمد اقشار یک اقتصاد است (صدر، ۱۳۸۱). شهید صدر توضیح می‌دهد که توازن مورد انتظار اسلام از راه‌های گوناگون قابل دستیابی است. نخست اینکه اختصاص دادن حق بهره‌برداری از برخی ثروت‌های طبیعی به دولت و جامعه از پیدایش عدم توازن در ثروت جلوگیری می‌کند؛ دوم، ایجاد انگیزه و تشویق صاحبان درآمد به انفاق، قرض، وقف و احسان باعث تعدیل درآمدهای قشرهای مختلف می‌گردد؛ سوم، اخذ مالیات نیز باز موجب تعدیل بیشتر سطوح درآمد می‌شود و چهارم، تحریم برخی از اقدامات اقتصادی، که یا موجب تضییع حقوق دست اندرکاران در اقتصاد می‌شود یا ارزش افزوده‌ای ایجاد نمی‌کند، از تشدید اختلاف سطوح درآمد مانع می‌شود (صدر، ۱۳۸۱).

مرور دیدگاه‌های شهید صدر در باب اقتصاد اسلامی نشان می‌دهد، رفتار و قوانین اقتصاد اسلامی متفاوت از سایر اقتصادهای رایج است. همچنین باید توجه داشت که از حسابداری با عناوین مختلفی به عنوان زیرسیستم اقتصاد، ستون اقتصاد، دروازه‌بان بازارهای مالی و... نام برده می‌شود. از سویی دیگر فعالیت اقتصادی نیازمند اطلاعات مالی و اقتصادی برای تصمیم‌گیری است و حسابداری باید اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیری و پاسخگویی اقتصادی را فراهم کند. بنابراین اطلاعات ارائه شده توسط سیستم حسابداری هم باید با چنین اقتصادی سازگار باشد. به عبارتی، اهداف و خصوصیات حسابداری به عنوان ابزار ارائه اطلاعات در محیط اقتصادی باید با مصالح اقتصادی مشخص شده از سوی مکتب سازگار باشد. به عنوان نمونه، در مکتب اقتصادی اسلام، اخلاقیات و پاسخگویی (شفاف‌سازی اطلاعات) از اهمیت بسیاری برخوردار است در مکتب اقتصادی اسلام، گرچه پاسخگویی نهایی برای خداست اما فرد مسلمان باید در مقابل جامعه هم مسئول و پاسخگو باشد. بخشی از این پاسخگویی مورد نظر اسلام با شفافیت بیشتر در گزارش‌های مالی محقق می‌شود. هر اندازه حسابداری در گزارش‌های مالی به شفافیت بر اساس آموزه‌های اسلامی نزدیک‌تر باشد، پاسخگویی در سطح بهتری صورت می‌گیرد (خاوری، ۱۳۸۳).

ادبیات پژوهش (حسابداری متأثر از آموزه‌های اسلامی؛ لازمه سبک زندگی اسلامی)

اقتصاد ایران در سال‌های پس از انقلاب اسلامی به تدریج از آرمان‌ها، جهان‌بینی و ارزش‌های متعالی جامعه فاصله گرفت و اصول لیبرال دموکراسی همچون موربانه‌ای ارزش‌های اسلامی را از بدنه اقتصاد کشور محو کرده و بر تار و پود آن حاکم شد.

به تدریج، اقتصاد ایران ژست اسلامی بودن گرفت و بانک‌ها، موسسات و شرکت‌ها با ترجمه تحت‌اللفظی اسلام از سیستم‌ها و ابزارهای جوامع غربی برای فعالیت اقتصادی و کسب‌وکار بهره گرفتند. حسابداری از جمله سیستم‌هایی است که در اقتصاد لیبرالی بدون توجه به اصول و ارزش‌های اسلامی ترجمه و به جامعه اسلامی عرضه شد. بهره‌مندی از سیستم حسابداری تهی از ارزش‌های اسلامی در جامعه اسلامی سبب تغییر رفتارهای اقتصادی و سبک زندگی مردم گردید.

با وجودی که در کشور ایران، مقررات و دستورات اسلامی به طور کاملاً نزدیک در زمینه‌های مختلف زندگی وجود دارد، اما هنوز ویژگی‌ها و عملیات حسابداری غربی بر رویدادهای اقتصادی حاکم است. اکنون بیشتر سازمان‌های تجاری ایران، روش‌ها و فرم‌های حسابداری را که از طرف کشورهای اروپایی و آمریکایی از طریق شرکت‌های چندملیتی و یا عوامل داخلی وارد شده‌اند مورد استفاده قرار می‌دهند.

گزارش‌های مالی سیستم حسابداری رایج، ارزش‌هایی نظیر حداکثرسازی سود، فردگرایی، مادی‌گرایی و چشم و هم‌چشمی را در جامعه حاکم کرد و ارزش‌های اصیل اسلامی، نظیر سود معقول، منافع جمعی، انصاف و عدالت را به حاشیه راند.

حسابداری به عنوان ابزار ارائه اطلاعات در محیط اقتصادی نه تنها باید موجب ارائه تصویر درست درباره واحد تجاری شود، بلکه باید به گونه‌ای باشد که واحدهای تجاری را به سوی احسان و پرهیز از بی‌عدالتی تشویق کند.

به عنوان مثال، در اسلام انسان امانتدار است؛ در صورتی که در غرب، انسان مالک نهایی شناخته می‌شود. لذا پاسخگویی نهایی مسلمان، از نظر مسائل مالی، در برابر خداوند است و چنین پاسخگویی از طریق زکات و خمس در عمل پیاده می‌شود.

یا در اسلام بعضی از معاملات رایج در غرب مانند ربا، قمار، تجارت مشروبات الکلی عملی حرام و ممنوع است.

بنابراین یک سیستم حسابداری متناسب با جامعه اسلامی باید طراحی شود که قادر به پاسخگویی از طریق زکات و خمس باشد و در برابر معاملات حرام و ربا و قمار منعکس‌کننده آموزه‌های اسلامی باشد.

لذا می‌توان نتیجه گرفت، به دلیل تفاوت ماهوی جهان‌بینی اسلامی و غربی، حسابداری رایج که مبتنی بر جهان‌بینی غربی است نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای کشورهای مسلمان باشد. لذا باید حسابداری اسلامی مورد استفاده قرار گرفته تا فلاح و رستگاری را در سایه سبک زندگی اسلامی برای مسلمانان به ارمغان آورد.

پیشینه تحقیق

در دهه ۱۹۷۰ مؤسسات مالی اسلامی با هدف توجه بیشتر به آموزه‌های اسلامی در کشورهای جنوب شرقی آسیا، نظیر مالزی و شمال آفریقا، نظیر مصر شکل گرفتند. در این دهه، برای حسابداری در این موسسات و نهادها از ادبیات نوینی با عنوان حسابداری اسلامی نام برده شد و همزمان رویه‌های حسابداری اسلامی نظیر ایفای مسئولیت‌های اجتماعی و حفظ محیط زیست توسط مؤسسات مالی اسلامی مورد استفاده

قرار گرفت (یاری فرد، ملکی، ۱۳۹۱). به موازات رشد موسسات مالی اسلامی، هافستد (۱۹۸۰) نیز به این نتیجه رسید که در جوامع اسلامی، مذهب به صورت عمده در عملیات حسابداری تأثیرگذار است و برای جوامع اسلامی مدل خاص حسابداری نیاز است (سلیمان، ۲۰۱۲). سال ۱۹۸۱ را می‌توان مبدأ آغاز تلاش اندیشمندان و پژوهشگران در زمینه حسابداری موسسات مالی اسلامی دانست. گرن (۱۹۸۱) با اشاره به نقش اسلام در اقتصاد می‌گوید: «اقتصاددانان غربی عموماً نمی‌توانند هر معیاری که ماوراء دنیای مادی باشد را درک کنند؛ درحالی که مسلمانان عموماً نمی‌توانند هر معیاری که غیر از این باشد را درک کنند» (اسفندی، خلیفه سلطانی، ۱۳۹۱). شافی (۲۰۱۱) یکی از اهداف اصلی اقتصاد اسلامی را توجه به مسئولیت‌های اجتماعی، حفظ محیط زیست و در نهایت چرخش ثروت در جامعه و کاهش فاصله فقیر و غنی می‌داند و در این زمینه از زکات به عنوان یک مالیات اجباری مذهبی که موجب انتقال ثروت از ثروتمندان به فقرا می‌شود، نام برده است (اسفندی، خلیفه سلطانی، ۱۳۹۱). پس از آن نیز اندیشمندان مسلمان مطالب مختلفی را نیز در مورد اصول زیربنایی محاسبه زکات، که تعهدی دینی برای بخشیدن قسمتی از دارایی‌ها بر مبنای ثروت یک مسلمان به فقرا است، ارائه دادند. در همین زمینه، مطالعاتی توسط (گمبلینگ، کریم، ۲۰۰۸)، (حمید و همکاران، ۲۰۱۰)، (کلارن، ۲۰۱۱) و (عدنان، گافیکن، ۲۰۱۲) در زمینه نقش آموزه‌های اسلامی در حسابداری متناسب با جامعه اسلامی صورت گرفته است و در نهایت، نجفی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای نتیجه‌گیری می‌کند که حسابداران مسلمان در جوامع اسلامی باید برای دستیابی به یک مدل بومی از حسابداری متناسب با فرهنگ جامعه اسلامی تلاش نمایند.

روش تحقیق

روش‌شناسی مطالعه دلفی

روش دلفی را می‌توان گونه‌ای از فنون ساختاریافته برای انجام طوفان فکری در نظر گرفت که شامل نظرخواهی از کارشناسان به وسیله تکرار متوالی پرسشنامه است. هر تکرار شامل یک دروه بوده و وسیله‌ای برای بیان دیدگاه‌های کارشناسان است. در ادامه، نتایج هر دور نظرسنجی جمع‌آوری شده و اظهارنظرها به شیوه‌های کمی و کیفی تحلیل می‌شود.

فرآیند روش دلفی

الف- مطالعه مبانی نظری

در این مرحله، تحقیقات انجام شده در حوزه حسابداری و گزارشگری مالی در جوامع اسلامی به طور عام و مطالعات انجام شده پیرامون حسابداری اسلامی و سیستم حسابداری و گزارشگری مالی آن مورد مطالعه قرار گرفت. علاوه بر این، سایر مباحث نظری سازگار با ویژگی‌های محیطی گزارشگری مالی حسابداری اسلامی از جمله مباحث نظری مربوط به عقود و مبانی فقهی تجارت اسلامی، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در فرایند این بررسی‌ها و مطالعات، ضمن شناسایی کاستی‌ها و نواقص احتمالی نظام حسابداری و گزارشگری مالی رایج، عوامل کلیدی یک نظام حسابداری که به نظر پژوهشگر با ویژگی‌های محیطی حاکم در جوامع

اسلامی سازگار بود، از منابع نظری استخراج گردید. پس از آن، عوامل کلیدی مذکور، در قالب سؤالات مناسبی منظور و پرسشنامه‌ای حاوی موارد پیشنهادی برای نظرخواهی از خبرگان طراحی شد.

ب- نظرخواهی عمومی از خبرگان

در این مرحله از تحقیق، با استفاده از تحقیق دلفی، نظر خبرگان در مورد عوامل کلیدی یک نظام حسابداری و گزارشگری مالی مناسب در جوامع اسلامی و همچنین ارزیابی وضعیت موجود، جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ج- آزمون‌های آماری برای بررسی نتایج

در بخش آزمون‌های آماری تحلیلی، باید به نحوی عمل شود که تأیید یا رد سؤالات، شدت موافقت یا مخالفت، اجماع یا عدم اجماع درخصوص موضوع و در نهایت، همسان بودن نظرات راجع به موضوعات در بین گروه‌های مختلف یا وجود اختلاف نظر معنادار در بین آنها روشن و معین گردد. بدین منظور برای دستیابی به اهداف فوق، سؤال‌های مربوط به هر عامل دسته‌بندی و آزمون‌های ذیل در مورد آنها، طراحی و اجرا شد:

- ۱- آزمون t یک نمونه‌ای، به تفکیک نظرات موافق و مخالف، برای آگاهی از شدت موافقت یا مخالفت با موضوع مطروحه در هر سؤال
- ۲- آزمون کولموگروف اسمیرنوف یک نمونه‌ای، به تفکیک نظرات موافق و مخالف، برای تشخیص وجود یا عدم وجود اجماع (توافق نظر) راجع به موضوع مطروحه در هر سؤال
- ۳- آزمون t زوجی برای مقایسه وضع رایج با میانگین پاسخ‌های موافق به منظور ارزیابی فاصله وضع موجود از وضع مطلوب

تعریف جامعه و روش نمونه‌گیری

در تحقیق به شیوه دلفی، نمونه مورد مطالعه باید به نحوی انتخاب شود تا افراد متخصص، خیره و صاحب‌نظر در موضوع تحقیق، موسوم به اعضای گروه دلفی به عنوان نمایندگان جامعه مورد نظر، در نظرسنجی نقشی اساسی ایفا نمایند. به همین جهت، روش‌های نمونه‌گیری تصادفی برای انتخاب این افراد مناسب نمی‌باشد؛ بلکه در این قبیل پژوهش‌ها، اشخاص صاحب‌نظر از طریق بررسی دانش، توانمندی و تجربیاتی که دارند انتخاب می‌شوند. مبنای انتخاب این افراد نیز ویژگی‌هایی است که صاحب‌نظران روش دلفی، برای اعضای گروه دلفی ضروری شمرده‌اند. به نظر هارمن و پرس (۱۹۷۵)، یک گروه متخصص در تحقیق دلفی، گروهی هستند که نمایندگان گروه‌های مختلف در آن شرکت داشته و از افرادی تشکیل شده باشند که علم و آگاهی عمیق و وسیعی در زمینه تحقیق دارند. بر این اساس برای ۲۸ نفر از اعضای هیئت علمی گروه‌های حسابداری و مدیریت مالی دانشگاه‌ها - واجد شرایط در زمینه تحقیق - که در یزد، اصفهان و تهران ساکن

بودند پرسشنامه‌های حاوی سؤالات مرتبط با سؤال‌های تحقیق ارسال شد تا از نظر کارشناسی آنان استفاده گردد که در نهایت ۱۵ پرسشنامه دریافت و در چرخه تحقیق قرار گرفتند.

نتیجه‌گیری

با توجه به محاسبات انجام شده، می‌توان یک مدل حسابداری متناسب با سبک زندگی اسلامی را ارائه کرد در واقع این مدل حسابداری باید دارای ویژگی‌های زیر باشد:

- ۱- توزیع عادلانه ثروت، ۲- گسترش رفاه و عدالت اجتماعی، ۳- ارتقاء سطح پاسخگویی به ویژه پاسخگویی دینی، ۴- توجه به ذی نفعان و حقوق اقلیت سهام دار، ۵- شفافیت و افشای کامل، ۶- توجه به مسئولیت‌های اجتماعی و حفاظت از محیط زیست ۷- گسترش امنیت اقتصادی و آرامش اجتماعی، ۸- گسترش حاکمیت شرکتی، ۹- ارائه گزارش‌های غیرمالی در کنار گزارش‌های مالی، ۱۰- سودمندی برای تصمیم‌گیری، ۱۱- محاسبه سود مشروع و متناسب با تلاش و ۱۲- ارتقاء نظم و انضباط مالی

همچنین بر اساس نتایج این تحقیق، ترتیب اولویت هر یک از ویژگی‌های فوق از نظر خبرگان به ترتیب شماره گذاری فوق است.

پیش‌ها

مشکلات و چالش‌های موجود در سبک زندگی باید در مشکلات ساختاری اقتصاد ایران و دور شدن از ارزش و آموزه‌های اسلامی جست و جو کرد، در کنار اقتصاد شبه اسلامی، سیستم حسابداری رایج به عنوان ستون اقتصاد کشور در جامعه ایران ناقص الخلقه و نارس است و فاصله بسیار زیادی با اهداف اقتصاد اسلامی و سبک زندگی اسلامی دارد.

لذا برای نیل به یک سیستم حسابداری مشروع متناسب با سبک زندگی اسلامی، باید از جاده اسلام گذشت. اسلام عناصر مکملی را ارائه می‌دهد که می‌تواند به تکامل اقتصاد کشور و سیستم حسابداری کمک کند.

منابع و مأخذ

- آقائزری، حسن (۱۳۹۰)، روش شناسی شهید صدر درباره شکل گیری علم اقتصاد و تحقیق نهایی درباره آن، فصلنامه روش شناسی علوم انسانی، شماره ۶۱، ص ۶۲ - ۵۱.
- اسماعیل نژاد، هاله (۱۳۹۰)، «دکترین ملی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران.
- برومند، علی و مشرقی، علی؛ مقایسه سبک زندگی در جامعه قرآنی با سبک زندگی غربی؛ به نقل از: <http://www.dindarmani.ir>
- بزرگ اصل، موسی (۱۳۸۴)، «اهداف و خصوصیات حسابداری اسلامی»، ریضال هالو شاهول حمید بن ابراهیم، فصلنامه حسابرس، سال هفتم، شماره ۳۰.
- پورحیدی، امید (مترجم ۲۰۰۸)، «حساب داری اسلامی و حساب داری مرسوم: ناسازگار یا مکمل»، ولایتام، سیکومار، تهران، فصلنامه حسابرس، شماره ۲۶.
- جابری، علی اکبر (۱۳۹۰)، «ترجمه استانداردهای حسابداری مالی اسلامی» تدوین شده توسط سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی (AAOIFI)، سازمان حسابرسی، نشریه ۱۶۴
- صالح آبادی، علی (۱۳۸۵)، «بازارهای مالی اسلامی» (مجموعه مقالات)، دانشگاه امام صادق (ع).
- صیدی، حجت اله (۱۳۹۱)، «ارائه مدلی برای گزارشگری مالی در بازار سرمایه اسلامی» نمونه موردی ایران، پایان نامه دکتری دانشگاه علامه طباطبایی.
- محمدی، ابوالحسن (۱۳۹۱)، «قواعد فقهی»، نشر میزان، تهران.
- موسویان، سید عباس (۱۳۸۶)، «بانکداری اسلامی»، ویرایش پنجم، پژوهشکده پولی و مالی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- نوروش، ایرج و دیانته دیلمی، زهرا (۱۳۸۲)، بررسی تأثیر فرهنگ بر ارزشهای حسابداری در ایران (آزمون تجربی مدل گری).
- مصاحبه با حجت الاسلام دکتر مصطفی جمالی، ۱۳۹۱، فرهنگستان علوم اسلامی قم؛ به نقل از: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=۱۳۹۱۱۱۱۷۰۰۱۲۷۹>
- AICPA, Audit and Accounting Guide: Banks and servieing Institution, AICPA, Newyork, ۱۹۹۹
- Assakul, p. (۲۰۱۱), Futures studies methods, world future society
- Baydoun, N. and Willet, R., ۲۰۱۰, **Islamic Corporate Reports**, Abacus, ۳۶(۱).
- Belkaoui Ahmad Riahi ۲۰۰۰ " **Accounting theory** " Thee Dryden press
- Cascino S., (۲۰۱۰) " **Mandatory IFRS adoption and accounting comparability** ", Social Science Research Network, Working Paper

- Hameed, S. ۲۰۰۰, **The Need For Islamic Accounting: Perception of Its Objectives and Characteristics by Malaysian Accountant and Academics**, PH.D. Thesis, University of Dundee.
- Hameed, S. M. I. and Yaya, R. (۲۰۱۱). **The Emerging Issues on the Objectives and Characteristics of Islamic Accounting for Islamic Business Organizations. Malaysian Accounting Review**, Vol. ۴, No. ۱, pp. ۷۵-۹۲.
- Ijlal Ahmed Alvi (۲۰۱۱). **"Islamic Capital Market Overview & Role of Sukuk.**
- Napier, C. (۲۰۱۰), **Other Cultures, other accountings? Islamic Accounting from past to present**, ۵th Accounting History International Conference, Banff, Canada, August ۹-۱۱
- Rania Kamla, **"Critical insights into contemporary Islamic accounting"**, University of Dundee, Critical Perspectives on Accounting ۲۰ (۲۰۰۹) ۹۲۱-۹۳۲
- Zaid, O. A., Accounting Books and Reports in the Islamic State, Proceedings of the International Conference ۱: Accounting Commerce and Finance: The Islamic Perspective, Sydney, Australia, ۲۰۱۲

Archive of SID